

تیمی با ۶۰ تخصص

آتش نشانان گروه ویژه مشهد در ۲ ایستگاه تازه گشایش یافته ۶ و ۷ مستقر شده‌اند؛ ایستگاه‌هایی در انتهای خیابان مفتوح و میدان مادر در قاسم‌آباد که به بزرگراه و راه‌های خروجی شهر نزدیک است و سرعت عمل آن‌ها را برای مأموریت‌های خارج از شهر بیشتر می‌کند و در واقع در کنار مأموریت‌های داخل شهر، در عملیات‌های فراسرزمینی نیز شرکت می‌کنند. خبر اعزام را که دادند، آن‌ها برای پیمودن مسیر ۱۵۰۰ کیلومتری تا سیستان، فقط در مدت ۵ تا ۱۰ دقیقه آماده و راهی شدند. این آتش نشانان کوله‌پشتی‌هایی دارند که به جز کپسول اطفای حریق، همه چیز برای انجام یک عملیات دشوار و نجات در آن وجود دارد. از لباس، تشک، چادر خواب، بارانی تا دستگاه تصفیه آب، چراغ‌قوه و... حالا این سرعت عمل را بگذارید کنار آن ۶۰ تخصصشان؛ یعنی جوشکاری، برشکاری، غواصی، اطفای حریق، کار در ارتفاع و... آن‌ها چیزی کم ندارند و چنین تیم آماده‌ای همراه با گروهی از کارمندان سازمان مپ شهرداری مشهد و چند دستگاه خودرو مجهز راهی سفر سیستان و بلوچستان شدند.

● عملیات در نوبندیان؛ بازگشایی راه مدرسه

مجید فرهادی با ۱۵ سال سابقه کار در نیروهای آتش‌نشانی، فرمانده عملیات سیستان بود. در ایستگاه شماره ۶ واقع در انتهای خیابان مفتوح با او و ۳ آتش‌نشانی که در این عملیات حضور داشتند، به نمایندگی از دیگر آتش‌نشانی که در زمان حضور ما در ایستگاه در مأموریت بودند، گفت‌وگو می‌کنیم. آن‌ها چند روزی است که از مأموریت بازگشته‌اند و در این مدت برای رونمایی از ۲ پلترم ۲۲ متری آتش‌نشانی در مشهد نیز فرصت کمی برای استراحت داشتند. فرهادی می‌گوید: مأموریت اصلی آن‌ها تخلیه آب از چند روستای نواحی شهرستان چابهار بود، اما آن‌ها در این بین هر آنچه از دستشان برمی‌آمد، انجام می‌دادند؛ همچون راه‌سازی و حتی ساخت سرویس بهداشتی که در همین مدت کوتاه حضورشان انجام دادند. عملیات آن‌ها ۱۰ روز طول کشید که ۴۰٪ از این زمان در مسیر رفت و برگشت گذشت.

آن‌ها در اولین روز حضور در بلوچستان، در مدرسه‌ای در روستای نوبندیان مستقر شدند و بلافاصله تیم اعزامی به ۳ گروه تقسیم شد. حجم خرابی و خسارت‌ها زیاد بود و آن‌ها نیز فرصت کمی برای فکر کردن داشتند و باید با بهترین تصمیم کار را شروع می‌کردند. قبل از شروع هر کاری، متوجه مشکلی بزرگ در رفت‌وآمد بچه‌های مدرسه شدند. فرهادی در این باره می‌گوید: سیل، اراضی مسطح روستا را به خفزه‌ها و دهلیزهایی عمیق تبدیل کرده بود. راه رسیدن بچه‌ها به مدرسه نیز به گودالی پر آب تبدیل شده بود که دانش‌آموزان به سختی از کنار آن عبور می‌کردند و هر لحظه بیم افتادن آن‌ها در گودال وجود داشت، بنابراین بچه‌های ما کارشان را از همین جا شروع کردند. آب گودال را کشیدند و راه مدرسه را مسطح و برای رفت‌وآمد بچه‌ها باز کردند.

● عملیات در ریبک صالح؛ تخلیه ۵۰۰ هزار لیتر آب فرامانده عملیات گروه ویژه، در ادامه صحبت‌هایش می‌گوید: بعد از عملیات بازگشایی راه مدرسه، برای شناسایی منطقه و مشکلاتش به روستای ریبک صالح رفتیم. گودالی بزرگ از آب در وسط روستا پدید آمده بود. بچه‌های ما دوباره دست به کار شدند. ۲ پمپ مکش قوی را که همراهان بود، داخل گودال انداختیم و شروع به تخلیه آب کردیم. تیم ما واقعا از جان‌مایه گذاشت، طوری که بچه‌های تیم کاملاً در گل و لجن فرو رفتند. ۴۸ ساعت پس از ورود آتش‌نشان‌ها به سیستان و بلوچستان، هنوز خبری از استراحت و خواب نبود و تیم اعزامی با تمام وجود کار می‌کرد تا قدری از



عملیات نجات کیلومترها دورتر از خانه

روایتی از تلاش آتش نشانان گروه ویژه مشهدی در کمک‌رسانی به سیل‌زدگان استان سیستان و بلوچستان

یک ماه از سیل ویرانگر سیستان و بلوچستان می‌گذرد؛ سیلی که بزرگی اش ۳ برابر سیل گلستان بود و با ۵۰۰ میلیون مترمکعب آب آمد و تاسیسات زیربنایی استان را در نوردید، خیلی‌ها را به خاک سپاه نشاند و عاقبت به در یای عمان رفت. سیل هنوز نرفته بود که خیلی‌ها را بی‌خانمان کرد، خانه‌های زیادی را خراب کرد و سقف‌آرزوهای خیلی از خانواده‌ها را با خود برد. حال خرابی‌ها مانده است و آرزوهایی که باید دوباره

ساخته شود. بعد از سیل، باید سیل دیگری از راه می‌رسید تا ویرانی‌ها را بشوید و ببرد؛ سیل همتی که نمونه‌اش را بارها دیده‌ایم. نوبت سیل امداد رسانی و کمک‌های مردم و دولت بود. روزهایی که در قلاب تلویزیون حجم نام‌تمام سیل را می‌دیدیم و بی‌سروسامانی اهالی شهرهای میزبان سیل، این سیل خیلی زود به حرکت درآمد. زندگی اهالی سیستان دیگر زندگی عادی نبود؛ روستاهایی در محاصره کامل آب بودند، کلاس‌های درس بسیاری کاملاً تخریب شده بودند

و سیل، بی‌رحمانه همه چیز را نابود کرده بود. وقتی قرار شد حماسه حمایت مردمی دوباره تکرار شود، در میان انبوه حمایت‌ها، مشهدی‌ها هم از همراهی غافل نشدند و در کنار تمام کمک‌های نقدی و مالی، یک گروه ۱۰ نفره از آتش‌نشانیان خبره مشهدی نیز برای امداد رسانی به روستاهای نواحی شهرستان چابهار راهی این شهرستان شدند؛ گروهی که بیشتر با نام «گروه عملیات ویژه آتش‌نشانی» شناخته می‌شود. از گروه عملیات ویژه به عنوان

زنده‌ترین نیروهای آتش‌نشانی مشهد نام برده می‌شود. دلایل هم مشخص است؛ آن‌ها توانایی انجام ۶۰ تخصص را دارند و به پشت‌گرمی همین تخصص‌ها داوطلبانه راهی سیستان و بلوچستان شدند. آن‌ها با ما از روند کارشان در سفر ۱۰ روزه به سیستان گفتند؛ از ساختن پل و جاده در روستای دشتیاری، از بازگردان راه مدرسه در نوبندیان، از گزش بنه‌ها و از میهمان‌نوازی بی‌مانند مردم بلوچستان با آن‌چای شیرهای به یادماندنی و عطر خاصش.

چنین گودالی در کنار خانه‌ها پدید آمده بود. آن‌ها فکرش را هم نمی‌کردند با چنین بارندگی و سیلی روبه‌رو شوند و این‌گونه دورتادورشان را آب فرا بگیرد. فرمانده عملیات ویژه آتش‌نشانی در سیستان درباره عملیاتشان در آن وضعیت می‌گوید: برای بیرون‌راندن آب از روستا، تصمیم گرفتیم از یک گودال به گودال دیگر راه باز کنیم و آب‌ها را به گودال بزرگ‌تری به سمت خارج از شهر هدایت کنیم. تخلیه آب از این روستا هم ۳۶ ساعت زمان برد؛ ساعت‌هایی فرو می‌رفتند و بدنشان از شدت گزش پشه‌ها در امان نمی‌ماند.

فرهادی نفسی تازه می‌کند و ادامه می‌دهد: سیلاب، تمام جاده ورودی دشتیاری را از بین برده بود و برای ورود به روستا هم مشکل وجود داشت، بنابراین با همکاری بچه‌های سازمان مپ شهرداری مشهد، تصمیم گرفتیم در این بخش راه‌سازی کنیم و پل بسازیم؛ پلی که هم آب‌ها را از شهر خارج کند و هم راهی برای آمدن روستائیان باشد. فاصله ۱۰ کیلومتری ما از روستا، سیلاب لوله‌های آب روستا را از جا درآورد و به کناری رانده بود. ما هم لوله‌ها را به سمت ورودی روستا و گودال بزرگ آب رساندیم و از آن‌ها برای زیرسازی پلی که خودمان ساختیم، استفاده کردیم. به این صورت آب از لوله‌ها عبور می‌کرد و از روستا خارج می‌شد و راه ورودی روستا هم به این شکل ساخته شد.

● ابرار

هر کدام از آتش‌نشانیان مشهدی در هر سن و سالی که هستند، چندین تخصص دارند. از همه مهم‌تر به نتیجه گرفتن از کارهای گروهی ایمان دارند، و گرنه برای آن‌ها دیدن بچه‌هایی که تنها سرگرمی‌شان شورش‌ریزایی روی گل‌های بالا آمده از سیل و نهایت آرزویشان، داشتن راهی مناسب برای پیمودن مسیر پانزده، بیست کیلومتری روستا به مدرسه‌شان یا دیدن مردمی بود که بعد از سیلاب مجبور به زندگی در لانه‌های احتماشان شده بودند، سخت و دل‌آزار است. مهدی چوپان، سرآتش‌نشان سوم که اپراتور پلترم‌های آتش‌نشانی است و قرار است راننده یکی از پلترم‌های ۲۲ متری آتش‌نشانی که به تازگی رونمایی شده است نیز باشد، می‌گوید: بعد از اعزام به سیستان با اینکه از چند ایستگاه بودیم، فکر می‌کردیم ۱۰ ابرار هستیم، با هم احساس غریبی نداشتیم و همین حس بود که ما را برای کار بهتر تشویق می‌کرد.

اهالی است. به ما مال گرمی می‌دادند. او در سی و چهار سالگی به عنوان نجات‌گر کوهستان تاجر خاصی دارد. از طرفی غواصی است و رشته ورزشی‌اش نیز سنگ‌نوردی است. بچه‌های آتش‌نشان هر روز تمرین‌های سختی را برای آمادگی همیشگی برای شروع یک عملیات امداد متحمل می‌شوند، به طوری که آن‌ها هر روز در حال تکرار آموزش‌ها و به‌روز کردن مهارت‌هایشان هستند. هر روز در ساعت‌های مشخصی ورزش می‌کنند. در هر روز یک ساعت مطالعه در برنامه‌شان گنجانده شده است. یک ساعت در برنامه‌ای به نام شناسایی به کوچ‌پس‌کوچه‌های مشهد می‌روند و همه چم و خم شهر را شناسایی می‌کنند. رئیس عملیات سیستان می‌گوید: همه این تمرین‌ها ما را به‌روز نگه می‌دارد تا بتوانیم در آن ۴۰ ثانیه طلایی از ایستگاه خارج و برای عملیات آماده شویم. این زمان وقتی که در اوج خواب باشیم به یک دقیقه می‌رسد و در عملیات‌های خارج از شهر ۵ تا ۱۰ دقیقه است. این میزان آمادگی مهمین تمرین‌های روزانه به ما می‌دهد. فرهادی در پایان گفت‌وگوها، حرف تأمل‌برانگیزی می‌زند و می‌گوید که در این ۱۵ سالگی که آتش‌نشان بوده، به تعداد انگشت‌های یک دست، چاله‌های سیل شده بودند. خانه‌هایی که اتفاقاً سیمانی و محکم بودند، ولی چون بدون قاعده ساخته شده بودند و از زمین کنار خانه‌ها گودبرداری کرده بودند،

● عملیات پل‌سازی در دشتیاری

متوسط بارندگی‌های سالانه در استان سیستان ۱۱۰ میلی‌متر است، اما در این سیل بی‌سابقه و در ۲۴ ساعت، ۲۲۰ میلی‌متر باران بارید و راه‌ها و جاده‌ها را تخریب کرده و با خود برده بود. آتش‌نشانیان هم بعد از رسیدن به محل با حجم زیاد خرابی‌ها روبه‌رو شدند. فرهادی در این باره می‌گوید: بعد از تخلیه آب از روستای ریبک صالح، به روستای دشتیاری رفتیم، اما در آنجا بسا وضعیت عجیب خانه‌هایی روبه‌رو شدیم که روی تپه ساخته شده بودند و در کنار هر کدام از آن‌ها گودالی پر آب پدید آمده بود و هر لحظه امکان داشت بچه‌ای درون آن سقوط کند. بیشتر از ۱۰۰ خانه به این شکل گرفتار چاله‌های سیل شده بودند. خانه‌هایی که اتفاقاً سیمانی و محکم بودند، ولی چون بدون قاعده ساخته شده بودند و از زمین کنار خانه‌ها گودبرداری کرده بودند،

خانواده‌ها چند چشمه سرویس بهداشتی و حمام ساختیم. ساعت ۱۰ صبح کار را شروع کردیم و تا ۱۲ شب تحویل دادیم. خیلی ذوق کرده بودند و دائم برای مادعای خیر می‌کردند.

● میهمان‌نوازی به سبک سیستانی‌ها

آتش‌نشانیان مشهدی در جاده‌های شخم‌خورده از سیلاب، درخت‌های تنومند خشک شده را که سیل با خود آورده بود، برش می‌زدند و از سر راه برمی‌داشتند. آن‌ها کابل‌های برق افتاده در مسیر را جابه‌جا می‌کردند و با چوب‌درختانی که برش زده بودند، تیر چراغ برق می‌ساختند و دوباره کابل‌ها را سوار تیر چراغ برق می‌کردند. یاسر انتظاری دیگر آتش‌نشانی است که در این مأموریت راننده بنز اتکو بوده است؛ خودرو تخصصی امداد و نجات که یک نورافکن برای تأمین روشنایی دارد و جرقه‌گیری را هم حمل می‌کرد. او به دلیل وجود نورافکن در خودرو بیشتر از همه در معرض نیش پشه‌ها قرار گرفته بود. به این بخش از صحبت‌ها که می‌رسیم، فرمانده تیم از پیرمرد اهل سستی به نام لال محمد یاد می‌کند که در روستای دورافتاده او را دیده بودند. پیرمرد وقتی متوجه شد آتش‌نشانیان از دیار امام‌زاده (ع) آمده‌اند، با عشق و محبت پذیرایشان شد. او می‌گوید: سیلاب خانه و کاشانه‌شان را برده بود، اما

بزرگی به نام هوتک بود، بسنده می‌کردند؛ صبر می‌کردند گل ولای آن ته‌نشین شود و همه، حتی بچه‌ها و احشام هم از همان آب می‌نوشیدند.

● نوشیدن آب گل‌آلود

علی در رده‌بندی‌های آتش‌نشانیان، غواص تک‌ستاره است. هر کاری هم که فکرش را بکنید انجام می‌دهد؛ از تعمیرات سنگین خودروهای راهداری تا جوشکاری، برشکاری و برق‌کشی و خلاصه هر کاری که راهگشا باشد. او از پنج ابتدایی این مهارت‌ها را آموخته و آرزوی این بوده است که روزی آتش‌نشان شود. دیگر دوستانش سر به سرش می‌گذارند که مهارتش در این سفر ساخت سرویس بهداشتی بوده است. این موضوع هم داستانی جالب دارد که خودش برایمان تعریف می‌کند و می‌گوید: در بخشی دورتر از روستای دشتیاری، ۸ خانواده را دیدیم که خانه‌هایشان به شدت آسیب دیده و در امداد رسانی به آن‌ها بی‌توجهی شده بود. مهم‌ترین نیاز آن‌ها تعمیر دیوار پشت‌خانه‌شان بود که داشت می‌ریخت و ما آن را تعمیر کردیم. فرصت بیشتری برای کارهای دیگر نداشتیم، و گرنه سقف‌خانه هم مشکل داشت. در بین آن‌ها زوج جوانی بودند که تازه زندگی‌شان را آغاز کرده بودند و دیوار پشت‌خانه آن‌ها هم بر اثر سیل فرو ریخته بود که تعمیرش کردیم. بعد هم برای همه این



روزنامه شهرامیدوزنگی

شماره ۵۸۸
تیرماه ۱۳۹۸
شماره ۳۴۴

SHAHARANNEWS.IR

۰۷



روزنامه شهرامیدوزنگی

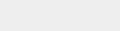
شماره ۵۸۸

تیرماه ۱۳۹۸

شماره ۳۴۴

SHAHARANNEWS.IR

۰۷



روزنامه شهرامیدوزنگی

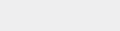
شماره ۵۸۸

تیرماه ۱۳۹۸

شماره ۳۴۴

SHAHARANNEWS.IR

۰۷



روزنامه شهرامیدوزنگی

شماره ۵۸۸

تیرماه ۱۳۹۸

شماره ۳۴۴

SHAHARANNEWS.IR

۰۷



روزنامه شهرامیدوزنگی

شماره ۵۸۸

تیرماه ۱۳۹۸

شماره ۳۴۴

SHAHARANNEWS.IR

۰۷



روزنامه شهرامیدوزنگی

شماره ۵۸۸

تیرماه ۱۳۹۸

شماره ۳۴۴

SHAHARANNEWS.IR

۰۷